

فضای شهری؛ شیوه های ادراک و تجربه



کتاب حاضر که توجه اصلی خود را به مباحث نظری در جامعه‌شناسی شهری معطوف کرده، از معدود آثاری است که در این زمینه به زبان فارسی منتشر شده است. کتاب دارای یک پیش‌گفتار از مترجم، هفت فصل و بخشی با عنوان "سخن آخر" است. کتاب را به لحاظ مضمون می‌توان حاوی دو بخش دانست. در بخش نخست، هدف نویسنده نقد نظریات رایج در جامعه‌شناسی شهری است. وی نقد خود را متوجه دو آلیسم حاکم بر نظریه‌های جامعه‌شناسی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه جامعه‌شناسان با غلطی‌ها به این یا آن سوی طیف دیدگاه‌های خرد و کلان، بخشی از مسائل شهری را نادیده گرفته‌اند. در بخش دوم به کوشش‌هایی اشاره می‌کند که برای گریز از مشکلات دوگانه‌انگاری صورت گرفته است، کوشش‌هایی که در نهایت هدف تلفیق نظریه خرد و کلان را دنبال می‌کنند. دیکنر خود به این آردوگاه می‌پیوندد و در سراسر متن کتاب، پیوند این دو دیدگاه را تعقیب می‌کند.

نقد نظریات جامعه‌شناسی شهری رایج

پیتر دیکنر در نقد جامعه‌شناسی شهری رایج می‌نویسد: زمانی که سخن از چگونگی استفاده درک و تفسیر محیط‌های اجتماعی و فضایی که مردم در آنها به سر می‌برند، به میان می‌آید و این که چگونه مردم محیط‌های اجتماعی و فضایی خود را مورد استفاده قرار می‌دهند و در آن تجربه می‌کنند، جامعه‌شناسی شهری جداً سخن ندارد (ص ۱۰)

وی معتقد است نظریات جامعه‌شناسی شهری رایج با انکاء به نظریات کلان به تحلیل شهر می‌پردازند و دیدگاه‌های خرد را مورد توجه قرار نمی‌دهند.

همان‌طور که اشاره شد دغدغه دیکنر طراحی نظریه جامعه‌شناسی شهری از طریق تلفیقی بین دیدگاه‌های خرد و کلان است، همانند تلفیقی که گیدنز در عرصه جامعه‌شناسی دنبال می‌کند.

دیکنر با این ذهنیت تلاش می‌کند عناصر نظریه خویش را از میان دیدگاه‌های متعدد انتخاب کند. او در این کار، به حوزه روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی کشیده می‌شود.

دیکنر اثر اروینگ گافمن و روان‌شناسی که آثار وی را توسعه دادند برای طراحی جامعه‌شناسی شهری بسیار ارزشمند می‌یابد. با این حال معتقد است که اثر گافمن هنوز نتوانسته است به نحو رضایت‌بخشی اجتماعی باشد. او در توضیح هدف خود می‌نویسد: لازم است این اثر (کتاب گافمن) با جامعه‌شناسی شهری مرسوم و تأکیدی که بر روابط ساختاری، دگرگونی‌های اجتماعی گسترده و انقلاب‌ها دارد پیوند زده شود (ص ۱۷).

دیکنر مفهوم "نقطه نمایش" را از مباحث گافمن به عاریت گرفت. نظم نمایشی بیانگر این نکته است که در بستر اجتماعی، افراد ارتباط مستمر با یکدیگر دارند و این ارتباط چه به صورت شفاهی و چه به صورت غیرشفاهی (از طریق شیوه‌های پوششی، سبک و نمای خانه‌ها و کالاها) صورت می‌گیرد و همزمان با آن افراد سعی می‌کنند نمایشی از خود به دیگران عرضه کنند. به نظر گافمن این کنش‌های متقابل در بسترهای فضایی شکل می‌گیرند. از دید او، فضا، ارتباط نزدیکی با زندگی شخصی و اجتماعی دارد. این فضاها گاه به صورت "منطقه جلو" (Front region) و گاه به عنوان "منطقه عقب"

○ غضنفر اکبری
○ پژوهشگر، برنامه‌ریزی شهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کلیده: جامع علوم انسانی

پیتر دیکنر در کتاب خود با عنوان "جامعه‌شناسی شهری تلاش می‌کند میان نظریه‌های خرد و کلان پیوند برقرار کند. به نظر او جامعه‌شناسی شهری تاکنون نسبت به چگونگی استفاده افراد از فضا و نحوه درک آن توجهی نداشته است. برای پاسخ گویی به این پرسش همزمان باید به دو سطح خرد و کلان پرداخت. دیکنر معتقد است که کنش‌های انسانی بر دو سطح مکان محلی و اجتماعات محلی روی می‌دهد. در هر یک از این دو سطح نوع نظم نمایشی و نظم زیستی مشاهده می‌شود. چگونگی کنش متقابل مردم با یکدیگر (نظم نمایشی) و چگونگی بروز احساسات غریزی (نظم زیستی) تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد. از نظر دیکنر، اجتماعات محلی و مکان‌های محلی زمینه زندگی روزمره مردم و محلی است که کنش‌ها در آنجا رخ می‌دهند. جامعه‌شناسی شهری دیکنر می‌کوشد روابط متقابل بین این فضاها و زندگی روزمره مردم و نحوه ادراک آن‌ها را بررسی کند.

- جامعه‌شناسی شهری
- پیتر دیکنر
- دکتر حسین بهروان
- آستان قدس رضوی
- ۱۳۷۷، ۲۴۶ صفحه

نویسنده نشان می‌دهد که چگونه جامعه‌شناسان با غلطیدن به این یا آن سوی طیف دیدگاه‌های خرد و کلان، بخشی از مسائل شهری را نادیده گرفته‌اند

بنابراین زندگی روزمره به وسیله ساختار عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که فراتر از اراده و تجربه مستقیم ما قرار دارند (عوامل ساختاری) تأثیر می‌پذیرند و یا باز تولید و دگرگون می‌شوند. هم چنین کنش‌های روزمره افراد از آن رو که فعال و بارآراند، بر ساختارها تأثیر می‌گذارند.

دیکنز با این جمع‌بندی به این جمله گیننز می‌رسد که ساختارهای اجتماعی هم واسطه و هم نتیجه کردار و اعمال انسانی هستند.

نتیجه‌گیری

تا همین اواخر یکی از تقسیمات اصلی در نظریه جامعه‌شناسی آمریکا تضاد میان نظریه‌های افراطی جزء نگر و کلان‌نگر و شاید مهمتر از آن تضاد میان کسانی بود که نظریه‌های جامعه‌شناسی را به این شکل تفسیر می‌کردند. چنین نظریه‌های افراطی سعی در بسط شکاف میان نظریه‌های خرد و کلان داشته‌اند.

در طرف افراط‌گرایی کلان، مکتب ساختی کارکردی، تضاد، برخی انواع مارکسیسم (مخصوصاً جبر اقتصادی و مارکسیسم ساخت‌گرا) و اکثر اشکال ساخت‌گرایی قرار دارند و در طرف افراط‌گرایی خرد، مکتب کنش متقابل نمادی، پدیدارشناسی، جامعه‌شناسی هستی‌شناسانه، جامعه‌شناسی رفتاری و نظریه مبادله قرار دارد.

جامعه‌شناسی شهری رایج و کلاسیک نیز از همین الگوی حاکم در عرصه جامعه‌شناسی پیروی می‌کرد. برخی نظریه‌پردازان، تحلیل ساختارهای اجتماعی شهری، روابط اجتماعی شهری و دگرگونی نظام‌های ارزشی و نظایر آن را تحلیل می‌کردند. در مقابل نظریه‌پردازان مکتب شیکاگو تحت تأثیر جرج زیمل و نظریه‌های سطح خرد، جامعه شهری را تحلیل می‌کردند و عوامل و متغیرهای خرد را به عنوان متغیرهای مستقل اصلی خود پذیرفتند.

محققانی چون کاستلز و نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی شهر متأثر از نظریه‌های مارکسیسم و سایر نظریه‌پردازان متأثر از ساختارگرایان، متغیرهای کلان چون نظام‌های سیاسی و اقتصادی و تحولات فن‌آوری را در تحولات جامعه شهری مؤثر دانسته‌اند و آن‌ها را به عنوان متغیرهای مستقل اصلی خود پذیرفته‌اند.

بنابراین دیدگاه‌ها و نظریات رایج در جامعه‌شناسی تا قبل از کوشش‌های اخیر برای تلفیق سطوح جزء و کلان به صورت افراطی با یکدیگر در تعارض بودند و هر یک بر بعدی از ابعاد مؤثر و تعیین‌کننده در شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی تأکید داشتند.

اما اکنون به نظر می‌رسد جامعه‌شناسی درصدد است از این دوگانه انگاری خارج شود و به سوی تلفیق این دو سطح گام بردارد. در چنین چارچوبی است که پیتر دیکنز ضمن الگو گرفتن از نظریه آنتونی گیننز، جامعه‌شناسی شهری خود را با تأکید بر هر دو سطح، یعنی هم توجه به عوامل ساختاری و هم توجه به کنش انسانی، پی می‌ریزد.

به نظر می‌رسد شکل‌گیری این رویکرد جدید، تحقیقات جامعه‌شناسی شهری را تحت تأثیر قرار دهد و به تدریج زمینه‌ها و نگاه‌های نوینی در مسایل شهری پدید آورد. هر چند که می‌توان گفت هنوز چشم‌انداز کاملاً روشن و دقیقی نمی‌توان برای آن ترسیم کرد.

زمانی که سخن از این به میان می‌آید که مردم چگونه محیط‌های اجتماعی و فضایی خود را مورد استفاده قرار می‌دهند و یا چگونه آن را درک و تجربه می‌کنند، جامعه‌شناسی شهری جداً سخنی برای گفتن ندارد

رویکرد هاره مبتنی بر این ایده اساسی است که مردم با آن که در ساختارهای اجتماعی به سر می‌برند که هم محدودکننده و هم تسهیل‌کننده کنش‌های آنان است، ولی در عین حال فعال و دارای اراده‌اند.

بنا به تعریف گیننز، مکان محلی، یک منطقه فیزیکی است که به عنوان صحنه کنش متقابل استفاده می‌شود؛ منطقه‌ای که دارای مرزهای معینی است، به طوری که امکان تمرکز کنش متقابل را به هر شیوه دیگر میسر می‌سازد

جامعه‌شناسی شهری خود را بر این مبنا استوار می‌کند که کنش‌های انسانی هم در مکان‌های محلی (Local) و هم در اجتماع محلی (Locality) انجام می‌گیرند. در این کنش‌ها دو نوع نظم رعایت می‌شود. یک نظم نمایشی (expressive order)، یعنی نظم‌هایی که در آن مردم با یکدیگر و با محیط فیزیکی کنش متقابل برقرار می‌سازند و تجربه‌های خود را به منصف ظهور می‌رسانند و دیگری نظم زیستی (Biotic order) که بر طیف گسترده‌ای از کنش‌های غریزی مردم، دلالت دارد.

چگونگی کنش متقابل مردم با یکدیگر (نظم نمایشی) و چگونگی بروز احساسات غریزی عمیق خود (نظم زیستی) تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای که مردم را احاطه کرده است، دارد. اجتماعات محلی و مکان‌های محلی نسبتاً خرد، مخصوصاً به عنوان محتوا و بستر زندگی روزمره مردم که کنش‌ها در آنجا رخ می‌دهند، حایز اهمیت می‌باشند.

(Back region) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در کنار گافمن، دیکنز آثار رام‌هاره (Rom Harre) را که شباهت زیادی با کارهای گافمن دارد، حایز اهمیت می‌یابد. اثر هاره که از آن به عنوان روانشناس جدید یاد می‌شود، مبتنی بر این ایده اساسی است که مردم در ساختارهای اجتماعی به سر می‌برند که هم محدودکننده و هم تسهیل‌کننده کنش‌های آنان است؛ ولی در عین حال فعال و دارای اراده‌اند و زندگی خود را در رابطه با دیگران می‌آفرینند.

الگوی دیکنز در این مباحثه نظریه‌گیننز است. او دو مفهوم اصلی را از گیننز وام می‌گیرد: "مکان محلی" و "اجتماع محلی". بنا به تعریف گیننز، مکان محلی، یک منطقه فیزیکی است که به عنوان صحنه کنش متقابل استفاده می‌شود؛ منطقه‌ای که دارای مرزهای معینی است به طوری که امکان تمرکز کنش متقابل را به هر شیوه دیگر میسر می‌سازد. به تعبیر موجزتر مکان محلی، اساساً یک مجموعه فیزیکی است که کنش متقابل انسانی درون آن رخ می‌دهد.

منظور گیننز از مجموعه فیزیکی، مجموعه‌ای است که به طور اجتماعی تعریف شده و برای کاربری‌های متمایز و مشخص تخصیص یافته است. ممکن است مجموعه فیزیکی به چند بخش کوچک‌تر اجتماعی تقسیم شده باشد. به نظر گیننز دامنه مکان محلی از یک اتاق در یک منزل، یک خیابان، یک طبقه نمایشگاه یک کارخانه، شهرک‌ها و شهرها تا قلمروهای دارای مرز مشخص تحت نفوذ یک ناحیه یا استان را دربر می‌گیرد. بنابراین فضای فیزیکی با تعریف اجتماعی فوق تأثیر مهمی در زندگی مردم و نیز در مواجهه آنان با روابط و فرایندهای اجتماعی دارد.

مفهوم اجتماع محلی در نظر گیننز بر نظاره اجتماعی محلی دلالت دارد. علاوه بر این، اجتماعات محلی مجموعه‌هایی هستند که روابط و کنش‌های متقابل چهره به چهره درون آن‌ها رخ می‌دهد.

دیکنز ضمن نقد آثار جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، دو مفهوم نیز از آنها اخذ می‌کند. این دو مفهوم یکی "سطح زیستی" و دیگری "سطح فرهنگی" است (هر چند که مفهوم "نظم عملی" (Practical Order) در دیدگاه هاره همانند سطوح زیستی به فرایند بقا و تولیدمثل زیستی اشاره دارد).

به نظر وی مکتب شیکاگو با تمایز بین سطوح زیستی و فرهنگی رفتار انسانی، تلاش کرد شناخت رفتار فردی را با شناخت رفتار اجتماعی ملی و مطالعه محیط طبیعی ترکیب کند.

هم چنین سعی کرد بین جنبه‌های غریزی رفتار انسانی و شکل‌های آگاهانه رفتار اجتماعی و فردی پیوند برقرار کند، ولی چندان موفق نبوده است.

به نظر دیکنز مکتب شیکاگو به همان فرایندهای مورد بررسی گافمن، هاره و پیروان کنش متقابل نمادی می‌پردازد. این مکتب به طور خاص اجتماعات محلی و مکان‌های محلی را به عنوان بستر کنش‌های متقابل انسانی در نظر می‌گیرد و در این موقعیت‌ها، شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی را بررسی می‌کند. البته دیکنز معتقد است این نوع جامعه‌شناسی شهری متروک شده است.

نظریه جامعه‌شناسی شهری دیکنز دیکنز پس از نقد آثار جامعه‌شناسی شهری، نظریه